

تحلیل رابطه بین ایران و ایالات متحده آمریکا از منظر موازنه تهدید (۲۰۲۱-۲۰۱۶)

احمد جانسیز*
احسان اعجازی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۳۰

۱۶۳



DOI:10.22124/wp.2021.19011.2775

سیاست جهانی، دوره نهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۰، پیاپی ۵۳-۶۱ (صفحات: ۶۱-۶۳)

چکیده

از سال ۱۳۵۷، ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران سیاستی خصمانه در برابر یکدیگر در پیش گرفته‌اند هر چند در دهه‌های مختلف این مسئله با شدت و ضعف همراه بوده است. به همین دلیل نگارندگان این نوشتار میزان تهدید آمیز بودن این دو کشور را براساس نظریه موازنه تهدید استفن والت ارزیابی کرده‌اند. در واقع این نوشتار به دنبال پاسخی برای این سوال بوده است که براساس نظریه موازنه تهدید استفن والت، جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در بازه زمانی ۲۰۱۶-۲۰۲۱ تا چه اندازه نسبت به یکدیگر به عنوان تهدید به شمار رفته و می‌روند؟ برای یافتن پاسخ این سوال شاخص‌های کمی و کیفی متغیرهای نظریه موازنه تهدید شامل قدرت کلی، مجاورت جغرافیایی، قدرت تهاجمی و نیت تهاجمی مورد سنجش قرار گرفته‌اند. در نهایت یافته‌های این نوشتار نشان می‌دهد که با توجه به مفروضات نظریه موازنه تهدید، در دوران فوق جمهوری اسلامی ایران برای ایالات متحده آمریکا یک تهدید فوری و قریب‌الوقوع به شمار نمی‌آید اما ایالات متحده آمریکا می‌تواند یک تهدید نسبی و در عین حال جدی برای امنیت جمهوری اسلامی ایران به شمار رود. نویسندگان کوشیده‌اند با بهره‌گیری از روش مطالعه موردی به پرسش فوق پاسخ دهند.

واژگان کلیدی: موازنه تهدید، جمهوری اسلامی ایران، ایالات متحده آمریکا، دونالد ترامپ، جوزف بایدن

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه گیلان

* نویسنده مسئول: jansiz@guilan.ac.ir

۲. دکترای روابط بین الملل دانشگاه گیلان

مقدمه

هم‌زمان با اشغال سفارت ایالات متحده در ایران در آبان ۱۳۵۸، روابط بین دو کشور به شدت تنش‌آمیز شد. پس از آن روابط دو کشور همواره خصمانه بوده است به گونه‌ای که در دوره‌هایی از دو دهه اول قرن بیست‌ویکم به رویارویی نظامی نیز نزدیک شده‌اند. به عنوان مثال، در دوره اول ریاست جمهوری جرج بوش پسر و پس از حمله آمریکا به عراق، آمریکا با محور شرارت خواندن ایران و به بهانه قصد ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای به دنبال فرصتی برای حمله به ایران بود. در دوران ریاست جمهوری باراک اوباما به سبب توافق هسته‌ای موسوم به برجام و لغو تحریم‌ها تا اندازه‌ای از تنش‌ها کاسته شد اما با ورود دونالد ترامپ به کاخ سفید و اتخاذ سیاست فشار حداکثری از سوی ایالات متحده دو کشور تا مرز یک درگیری نظامی پیش رفتند.

با وجود این در برخی از مواقع سیاستمداران آمریکایی از گزینه نظامی علیه ایران صحبت می‌کنند و از سویی دیگر مقامات نظامی ایران به توانایی تسلیحاتی ایران برای ضربه به منافع استراتژیک آمریکا در خاورمیانه اشاره می‌کنند. در چنین شرایطی پرسش اصلی این مقاله بدین شرح است که جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در بازه زمانی ۲۰۲۱-۲۰۱۶ تا چه اندازه نسبت به یکدیگر به‌عنوان تهدید به شمار رفته و می‌روند؟ برای پاسخ به این پرسش از نظریه موازنه تهدید استفن والت بهره گرفته شده است. به بیان دیگر با استفاده از مولفه‌های مطرح شده در نظریه موازنه تهدید، میزان تهدیدآمیز بودن ایران و آمریکا نسبت به یکدیگر سنجیده خواهد شد.

۱. تشریح متغیرهای مساله

با آنکه تنش‌های سیاسی و حتی نظامی بین ایران و ایالات متحده به پس از انقلاب اسلامی بازمی‌گردد، اما میزان و سطح تنش‌ها بین دو کشور در دو دهه اول قرن بیست‌ویکم به شدت افزایش پیدا کرده است. پس از وقایع یازده سپتامبر و بازگشت نومحافظه‌کاران به قدرت در ایالات متحده، ایران به یکی از کانون‌های اصلی منازعه آمریکا با جهان خارج تبدیل شد. تعارضات سیاسی بین دو کشور چندین موضوع بسیار

حساس را شامل می‌شود: برنامه هسته‌ای ایران، ادعای حمایت ایران از تروریسم، برنامه‌های دفاعی و موشکی ایران، نقض حقوق بشر و نبود دموکراسی در ایران.

فوری‌ترین و جدی‌ترین مسئله‌ای که ایران و ایالات متحده در بیست سال اخیر با آن روبرو بوده‌اند، مسئله برنامه هسته‌ای ایران است که فارغ از اینکه چه حزبی در کنگره و کاخ سفید حاکم باشد، جز چالش‌های سیاست خارجی ایالات متحده بوده، هست و خواهد بود. جدای از مسائل فنی مانند میزان غنی سازی، نوع و تعداد سانتریفیوژها و غیره، توانایی هسته‌ای ایران به طور کلی خطری جدی برای منافع آمریکا محسوب می‌شود و ایالات متحده به همراه متحدینش خود را متعهد می‌داند تا برنامه هسته‌ای ایران را مهار کند. در همین راستا، آمریکا علاوه بر بهره‌گیری از تهدید نظامی، تلاش نموده با وضع تحریم و سپس ارائه مشوق‌های اقتصادی در قالب رفع تحریم‌ها، با ایران وارد مذاکره شوند. سرانجام پس از ۱۲ سال مذاکره، آمریکا در قالب گروه پنج به علاوه یک (بریتانیا، فرانسه، ایالات متحده، چین و روسیه به علاوه آلمان) به توافقی با ایران دست یافتند که برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) نام گرفت. مذاکرات پنهانی و فشرده دولت اوباما با ایران به برجامی منتهی شد که از یک سو برنامه هسته‌ای ایران را به شدت محدود می‌کرد و از سوی دیگر نظارت‌های بین‌المللی را بر ایران افزایش می‌داد. در مقابل ایران هم از لغو تحریم‌های بین‌المللی، ایالات متحده و اروپا در قالب قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت ملل متحد منتفع می‌شد. با شکل‌گیری برجام، امیدها برای رفع تنش‌های بین دو کشور به شدت افزایش یافت. اما دیری نپایید که با بازگشت جمهوری خواهان به کاخ سفید به رهبری دونالد ترامپ، بار دیگر سطح منازعه بین دو کشور اوج گرفت. با خروج دولت ترامپ از برجام و وضع تحریم‌های شدید یکجانبه علیه ایران، سطح تنش‌ها بین طرفین به طرز بی‌سابقه‌ای افزایش یافت.

پشتیبانی از تروریسم نیز یکی از ادعاهای نادرستی است که ایالات متحده در سال‌های متمادی علیه ایران وارد کرده است. از یک سو آمریکا، ایران را متهم به همکاری با گروه‌های تروریستی نظیر القاعده و طالبان می‌کند و از سوی دیگر پشتیبانی سیاسی، مالی و نظامی ایران از جبهه مقاومت شامل حزب‌الله لبنان، حماس، جهاد اسلامی، حشد الشعبی و انصارالله یمن (حوثی‌ها) را در زمره حمایت از تروریسم به

شمار می‌آورد. بدیهی است که ایران هیچ‌کدام از این اتهامات بی‌پایه و اساس را نپذیرد. با این وجود، ایالات متحده توانسته است با دستاویز قراردادن پشتیبانی ایران از محور مقاومت، بخش‌های زیادی از صنایع نظامی و حتی ساختار اقتصادی ایران را مورد تحریم قرار دهد و رفع آنها را منوط به عدم پشتیبانی ایران از گروه‌های مقاومت در منطقه بکند. همچنین ایالات متحده تلاش کرده است از طریق این اتهامات اقدامات نظامی خود علیه ایران را توجیه کند که نمونه بارز آن در ترور سپهبد حاج قاسم سلیمانی مشهود است. در واقع می‌توان گفت که ایالات متحده سعی کرده است تا نفوذ منطقه‌ای ایران را به‌عنوان یک تهدید علیه ثبات و امنیت منطقه معرفی کند تا بتواند ضربه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی خود به ایران را در نظام بین‌الملل توجیه کند.

علاوه بر دو مورد فوق، آمریکا در یک دهه اخیر تلاش‌های سیاسی و دیپلماتیک فراوانی کرده است تا قابلیت‌های دفاعی ایران را در کانون توجه بین‌المللی قرار دهد و آن را به مثابه یک تهدید برای جهان غرب و کشورهای منطقه خاورمیانه جلوه دهد تا از این طریق بتواند یک ائتلاف سیاسی و حتی نظامی علیه ایران تشکیل دهد. در صورت موفقیت ایالات متحده برای ترسیم ایران به عنوان یک تهدید منطقه‌ای، شرایط برای مهار ایران بیش از پیش مهیا خواهد شد.

تهدیداتی که ایالات متحده از جانب ایران متوجه خود می‌دانست سبب شد تا ابتدا از طریق مذاکرات هسته‌ای به توافقی با ایران دست پیدا کنند که در گام اول برنامه هسته‌ای ایران را محدود سازند و در گام‌های بعدی به مسائل منطقه‌ای و موشکی بپردازند. این رویکرد در زمان ریاست جمهوری باراک اوباما پیگیری شد. اما با ورود دونالد ترامپ به کاخ سفید، رویکرد «فشار حداکثری» در دستور کار قرار گرفت و بر مبنای آن مایک پمپئو شروط ۱۲ گانه‌ای را مطرح کرد که در صورت اجرای آنها از سوی ایران، تحریم‌ها علیه ایران لغو می‌شد و به ادعای دولت ترامپ، دو کشور ایران و آمریکا می‌توانستند روابط خود در همه سطوح را از سر بگیرند.

این سه مسئله مناقشه برانگیز بین ایران و آمریکا باعث شد تا هر دو طرف نسبت به یکدیگر سوظن شدید داشته و هر اقدام طرف مقابل را به عنوان یک تهدید جدی علیه

امنیت و منافع ملی خود در نظر بگیرد. بر همین اساس به نظر می‌رسد با بهره‌گیری از نظریه موازنه تهدید بتوان الگوی رفتاری ایران و آمریکا را در چند سال اخیر تبیین کرد.

۲. پیشینه پژوهش

نادر انتصار و کاوه افراسیابی (۲۰۱۹) در کتابی با عنوان «ترامپ و ایران: از مهار تا تقابل» تلاش می‌کنند تا تأثیرات سیاست فشار حداکثری ترامپ علیه ایران را مورد واکاوی قرار دهند. آنها ادعا می‌کنند که با آغاز ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ گزینه جنگ بین دو کشور تبدیل به یک احتمال واقع‌گرایانه شد. به باور آنها، عزم دولت ترامپ برای محدودسازی هژمونی ایران در سراسر خاورمیانه حاکی از آن بود که دولت او از راهبرد مهار، که شش دولت پیشین آمریکا در قبال ایران به کار گرفتند، فاصله گرفته است. آنها در پژوهش خود سعی می‌کنند با یک نگاه جامع راهبردهای دولت ترامپ، سناریوهای جنگی و راهبردهای دفاعی ایران را تحلیل کرده و تأثیر آنها بر روابط دو کشور در دولت ترامپ را بسنجند. با این وجود، آنها درصدد هستند تا امکان شکل‌گیری یک دیپلماسی جدید بین دو کشور را بررسی کنند.

۱-۲. باران هان (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان «نقش و منطق رفاهی تحریم‌های ثانویه: یک نظریه و مطالعه موردی تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران» استدلال می‌کند که ایالات متحده توانسته است از طریق اجبار طرف‌های سوم را وادار کند تا از تحریم‌های آمریکا علیه ایران پیروی کنند. تبعیت آنها از این تحریم‌ها سبب خواهد شد که ایران خواسته‌های آمریکا را بیشتر برآورده سازد چرا که تحریم‌های ثانویه می‌تواند ایران را از تجارت با کشورهای دیگر محروم سازد. در این مقاله صرفاً از طریق ارائه آمارهای اقتصادی و با بهره‌گیری از فرمول‌های آماری تلاش شده است فقط تأثیر تحریم‌های ثانویه بر روابط دو کشور بررسی شود و در نتیجه متغیرهای سیاسی، اجتماعی و ایدئولوژیکی کاملاً نادیده گرفته شده است.

۲-۲. امید شکری (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان «ژئوپلیتیک تحریم‌های انرژی ایالات متحده علیه ایران» تنها به تأثیر تحریم‌های نفتی آمریکا علیه ایران می‌پردازد. او استدلال می‌کند که در سال‌های پیش‌رو استقلال آمریکا در حوزه انرژی افزایش خواهد

یافت و منافع این کشور برای تسلط بر منابع نفتی خاورمیانه کاهش خواهد یافت. در زمانی که ایالات متحده به بزرگترین تولیدکننده نفت تبدیل شده و تولید آن در سال‌های آینده به ۱۹ میلیون بشکه در روز خواهد رسید، کشورهای عضو اوپک دیگر قدرت مانور ندارند. در نتیجه ایالات متحده می‌تواند از ابزار نفت برای تنبیه برخی از کشورهای عضو این کارتل نفتی استفاده کند. بدیهی است که این پژوهش تنش‌های موجود بین ایران و ایالات متحده را به حوزه نفت تقلیل داده است و در نتیجه نمی‌تواند روابط بین دو کشور را به طور جامعی تبیین کند.

۳-۲. دانیل اسکامنتال (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان «اروپا، ایالات متحده و توافق ایران: نیاز برای حل و فصل اختلافات فرآتلاتتیکی» استدلال می‌کند که اتحادیه اروپا، حتی با وجود خروج آمریکا از برجام، باید با ایالات متحده برای مقابله با جاه‌طلبی‌های هسته‌ای و نفوذ منطقه‌ای ایران همکاری کند. با این وجود او می‌پذیرد که توافق هسته‌ای با ایران یکی از وجوه اختلاف فرآتلاتتیکی است. به عقیده او اهمیت ائتلاف غربی و شدت چالش‌های امنیتی همکاری بین ایالات متحده و اتحادیه اروپا برای مقابله با ایران را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. در این مقاله روابط بین ایران و آمریکا تنها در راستای برجام و نقش اتحادیه اروپا در این فرآیند بررسی می‌شود و سیاست داخلی و توانمندیهای نظامی دو کشور کاملاً نادیده گرفته می‌شود.

۴-۲. بدالرضا یوسفی میانجی، حسین دهشیار، نوذر شفیعی و رحمت حاجی مینه (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «سیاست خارجی ترامپ در خاورمیانه» به دنبال بررسی سیاست خارجی دولت ترامپ در خاورمیانه می‌باشند. آنها با بهره‌گیری از نظریه واقع‌گرایی تهاجمی درصدد هستند تا رفتار آمریکا را در منطقه خاورمیانه تجزیه و تحلیل کنند. یافته‌های پژوهش آنها نشان می‌دهد که دولت ترامپ بدنال حفظ موقعیت موجود ایالات متحده در منطقه و پیشگیری از ظهور هژمون منطقه‌ای، که می‌تواند ثبات موازنه قدرت را بر هم بزند و هژمونی آمریکا در دنیا را به چالش بکشد، است. در این پژوهش متغیرهای سیاست داخلی دو کشور برای بررسی روابط بین ایران و آمریکا لحاظ نشده است.

۲-۵. حسین دهشیار (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «ایران و آمریکا: عبور از رودخانه رویکن» درصدد برمی‌آید تا ماهیت کنش متقابل بین ایران و آمریکا را که مبتنی بر حاصل جمع صفر شکل گرفته است، واکاوی کند. به عقیده او، تلاش مداوم ایران برای تغییر توزیع قدرت در منطقه خاورمیانه و دستیابی به جایگاه هژمون منطقه‌ای موجب شده است تا ایالات متحده به دنبال آن باشد از طریق بی‌نظمی نرم، تهییج نخبگان سیاسی داخلی برای ایجاد بی‌ثباتی سیاسی و به تبع آن براندازی نظام سیاسی، و نیز از طریق بی‌نظمی سخت، اعمال تحریم‌های سنگین اقتصادی و منزوی‌ساختن ایران در منطقه، از تبدیل ایران به یک هژمون در منطقه جلوگیری نماید.

در پژوهش حاضر سعی بر آن است تا از تحلیل تک‌متغیری روابط بین ایران و آمریکا در یک دهه اخیر پرهیز شود و تأثیر عوامل سیاسی و قابلیت‌های اقتصادی و نظامی داخلی طرفین بر این روابط مورد بررسی قرار بگیرد. در همین راستا، میزان و سطح قدرت دو کشور با یکدیگر مقایسه می‌شود تا مشخص شود که ایران و آمریکا تا چه اندازه یکدیگر را به مثابه تهدید درک می‌کنند.

۳. چارچوب نظری

برای پاسخ به پرسش اصلی این مقاله از نظریه موازنه تهدید بهره گرفته شده است. پروفیسور استفن والت براساس اصلاحاتی که بر روی نظریه موازنه قوا انجام داد نظریه موازنه تهدید خود را مطرح کرد. بر پایه این نظریه دولت‌ها در وضعیت آنارشیک برای حفاظت از خود تشکیل اتحاد می‌دهند. به باور پروفیسور والت عملکرد دولت‌ها به وسیله چندین عامل مشخص می‌شود. نخست آنها براساس تهدیداتی که برداشت می‌کنند عمل می‌کنند. دوم آنکه قدرت دیگر بازیگران یک رکن (اگرچه یک رکن مهم) در محاسبات آنها محسوب می‌شود. قدرت دیگر دولت‌ها بسته به اینکه آن دولت در چه مکان جغرافیایی قرار گرفته باشد، توانایی انجام چه عملی را داشته باشد و یا چگونه از توانایی خود استفاده می‌کند، می‌تواند مایه دردسر یا یک امتیاز باشد (Walt, 1987).



بر همین مبنا پروفیسور والت نتیجه می‌گیرد که تهدیدات دولت‌ها نسبت به یکدیگر می‌تواند از چهار منبع نشأت بگیرد که عبارتند از: ۱. قدرت کل، ۲. مجاورت جغرافیایی، ۳. قدرت تهاجمی و ۴. نیت تهاجمی.

۳-۱. قدرت کل

بنا بر نظریه استفن والت هر اندازه میزان منابع یک دولت بیشتر باشد، آن دولت از پتانسیل بیشتری برای تهدید دیگر دولت‌ها برخوردار است. در اینجا منظور از منابع، جمعیت، قابلیت‌های نظامی و صنعتی و قدرت فناوری می‌باشد. در چنین وضعیتی دولت‌هایی که دارای قدرت فراوان باشند ظرفیت آن را خواهند داشت که دشمنان خود را تنبیه کنند و به دوستان خود پاداش دهند (Walt, 1987: 22-23).

۳-۲. مجاورت جغرافیایی

بر پایه نظریه موازنه تهدید توانایی دولت‌ها برای اعمال قدرت با افزایش فاصله کاهش می‌یابد در نتیجه دولت‌های نزدیکتر نسبت به دولت‌های دورتر تهدیدآمیزترند. اگر اندازه دیگر منابع دولت‌ها با هم برابر باشد در آن صورت احتمال اینکه دولت‌ها در واکنش به قدرت‌های نزدیک، به جای واکنش به قدرت‌های دور دست، دست به اتحاد بزنند بیشتر است. در اینجا هم مانند عامل قدرت کل، مجاورت جغرافیایی می‌تواند منجر به ایجاد موازنه یا همراهی از سوی دیگر دولت‌ها شود (Walt, 1987: 23).

۳-۳. قدرت تهاجمی

بنا بر باور استفن والت اگر اندازه دیگر منابع دولت‌ها با هم برابر باشد، احتمال زیادی وجود دارد که دولت‌های دارای قابلیت‌های تهاجمی بسیار به تشکیل اتحاد مبادرت ورزند. باید خاطر نشان ساخت گرچه قدرت تهاجمی با قدرت کل و مجاورت جغرافیایی در ارتباط است اما با آنها یکسان نیست. در واقع قدرت تهاجمی دارای این قابلیت است که حاکمیت یا یکپارچگی سرزمینی دولت دیگر را تهدید کند. تهدید فوری

ناشی از این قابلیت‌های تهاجمی ممکن است انگیزه بسیار قوی به دیگر دولت‌ها برای موازنه علیه دولت تهدیدگر بدهد (Walt, 1987: 24).

۴-۳. نیات تهاجمی

در نهایت بنا بر نظریه موازنه تهدید اگر دولت‌ها، دولتی را به‌عنوان یک دولت تهاجمی و ستیزه‌جو در نظر بگیرند احتمال بسیاری وجود دارد که علیه آن دست به موازنه بزنند. در این صورت حتی اگر دولتی دارای قابلیت‌های متوسط و معمولی هم باشد، باز ممکن است که دیگران را به موازنه علیه خودش تحریک کند. در واقع برداشتهای از نیت دولت‌ها نقشی مهم در انتخاب اتحادها ایفا می‌کند (Walt, 1987: 25). در همین راستا، نیت دولت‌ها می‌تواند ناشی از ایدئولوژی باشد به طوری که فاصله ایدئولوژیک بین نخبگان حاکم در تک قطب و نخبگان حاکم در سایر دولت‌ها اهمیت زیادی دارد چرا که دولت‌ها در برابر تک قطب با ایدئولوژی رقیب یا مخالف احتمالاً راهبرد موازنه سخت را برمی‌گزینند (هنسن و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۹-۲۸).

بنابراین از نظر والت صرف قدرت مهم نیست بلکه سایر عوامل نیز دارای اهمیت هستند. به باور وی آنچه در روابط میان دولت‌ها از اهمیت برخوردار می‌باشد، درک آنها از یکدیگر به عنوان تهدید است و تنها میزان قدرت هر یک از آنها مورد توجه نیست. به همین منوال دولت‌ها در برابر دولت‌هایی دست به موازنه می‌زنند که تهدیدی فوری را متوجه موجودیت یا منافع آنها بکنند (مشیرزاده، ۱۳۸۸: ۱۳۵).

به‌طور کلی اگر فاصله جغرافیایی بین دو کشور اندک باشد و قدرت تهاجمی یکی از طرفین به شدت بالا باشد، به احتمال زیاد بازیگر ضعیف‌تر از امنیت نسبی پایینی برخوردار است و علاوه بر این اگر فاصله ایدئولوژیک بین دو بازیگر زیاد باشد، بازیگر ضعیف‌تر برای مهار بازیگر هژمون از راهبرد موازنه سخت بهره خواهد گرفت (هنسن و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۹-۲۸).

در این بخش بر پایه متغیرهای نظریه موازنه تهدید، میزان تهدیدات جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا نسبت به یکدیگر را بررسی می‌کنیم و احتمال موازنه‌سازی این دو کشور علیه یکدیگر را نیز مورد سنجش قرار می‌دهیم. نخست

متغیرهای مورد نظر والت را درباره جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار خواهیم داد. در این نوشتار متغیرهای فوق براساس شاخص های کمی و کیفی سنجیده می شوند به گونه ای که قدرت کلی با شاخص کمی و کیفی، مجاورت جغرافیایی و قدرت تهاجمی با شاخص کمی و نیات تهاجمی با شاخص کمی مورد ارزیابی قرار خواهند گرفت.

در مورد مطالعاتی اخیر، به علت حضور پایگاه های نظامی ایالات متحده در اطراف ایران می توان گفت که فاصله جغرافیایی بین دو کشور اندک است، بر طبق آمارهای موجود قدرت تهاجمی ایالات متحده چندین برابر ایران بوده و ایدئولوژی لیبرالیسم در آمریکا و اسلام گرایی در ایران، فاصله ایدئولوژیک بین دو کشور را بی نهایت کرده است. در چنین شرایطی با افزایش تهدیدات از سوی آمریکا، امنیت نسبی ایران کاهش یافته، به علت فاصله ایدئولوژیکی زیاد، احتمال پیگیری راهبرد موازنه سخت از جانب ایران افزایش یافته و پیگیری راهبرد دنباله روی در میان گزینه های ایران نیست. همچنین به دلیل فاصله زیاد ایدئولوژیکی بین دو کشور و نیز نزدیکی جغرافیایی سکوها پرتاب موشک ایران به پایگاه های نظامی آمریکا، ایالات متحده از جانب ایران احساس تهدید می کند. بنابراین گزینه مهار ایران از طریق موازنه سخت و موازنه نرم همواره در دستور کار سیاست خارجی آمریکا قرار داشته است.

۴. جمهوری اسلامی ایران

۴-۱. قدرت کل

در اکثریت نظریات و الگوهای سنجش قدرت ملی به سه عامل الف) جمعیت، ویژگی های کمی و کیفی آن، ب) کیفیت رهبری، مدیریت و کیفیت حکومت ج) منابع طبیعی، مواد خام و معادن اشاره شده است (زرقانی، ۱۳۸۷: ۱۵۳). اما در نظریه والت علاوه بر جمعیت به عوامل صنعتی، فناوری و نظامی نیز توجه شده است.

از میان این متغیرها ابتدا به متغیر جمعیت می پردازیم. جمعیت ایران بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن نزدیک ۸۲ میلیون نفر است که نصف این جمعیت یعنی ۴۰ میلیون نفر مرد هستند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۷). در زمینه ویژگی های کیفی

جمعیت ایران، براساس نتایج همین سرشماری، باید گفت که حدود ۹۱ درصد از مردها و حدود ۸۴ درصد از زن ها با سواد هستند (مرکز آمار ایران، آمارهای موضوعی / سواد، ۱۳۹۷).

در خصوص ویژگی‌های حکومت در ایران باید خاطر نشان کرد که نظام سیاسی ایران بر اساس قانون اساسی از سه منبع مشروعیت می یابد: نخست مشروعیت کارزمایی و الهی که به‌ویژه در دوران امام خمینی (ره) در قالب ولایت فقیه مطرح شد. دوم آنکه بر پایه اقتدار سنتی و روحانی برخی از مناصب حکومتی به شان روحانیت واگذار شده است. سوم آنکه بر مبنای اقتدار قانونی دموکراتیک مجلس شورای اسلامی و نهاد ریاست جمهوری مشروعیت می یابند (بشیریه، ۱۳۸۲: ۷۳۲-۷۳۱). با این وجود و براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تمام مقام‌های حکومتی ایران به صورت مستقیم یا غیر مستقیم از طریق رای مردم انتخاب می شوند.

با این حال در برخی از مواقع تاریخی به دلایلی همچون چندپاره‌بودن تقسیم قدرت، تعدد رهبری سیاسی و نبود مدیریت واحد سیاسی، نظام سیاسی ایران با چالش‌هایی روبرو می‌شود (محمدی لرد، ۱۳۹۲: ۶۸).

همچنین درباره کیفیت حکومت در ایران پس از انقلاب اسلامی این نکته حائز اهمیت است که به باور نیکی کدی «نگرش جهانی ایرانیان در حمایت از دیگر ملت‌های مستضعف به پیش از اسلام بازمی‌گردد و ریشه در تجارب دوران امپراطوری ایران زمین دارد و از اصول اعتقادی ایرانیان مساله همیشگی استقرار جامعه آرمانی پاک است که عمدتاً به آرمان عدالت جهانی تعریف می‌شود» (ذاکریان و حسن پور، ۱۳۸۸: ۱۶). بر مبنای همین تفکر بود که در جمهوری اسلامی ایران ملت‌ها و نهضت‌ها بر دولت‌ها ترجیح داده شده‌اند و به عدالت سیاسی در روابط میان دولت‌ها اهمیت فراوانی داده شده است (سریع القلم، ۱۳۹۱: ۲۴۹).

به طور کلی، نظام سیاسی ایران دارای سه ویژگی اصلی است که تمام آنها تأثیری شگرف بر پویایی‌های سیاسی اقتصادی ایران دارند. نخست آنکه وجود منابع دوگانه مشروعیت الهی و مردمی که در سیر تحول انقلاب تأکید هر یک از جناح‌های سیاسی بر یکی از وجوه آن یا تفاسیر گوناگون از دایره قدرت آنها، منشا بسیاری از اختلافات

سیاسی بوده است. دوم آنکه، کثرت و پراکندگی منابع قدرت که از تمرکز قدرت تصمیم‌گیری در یک بخش جلوگیری نموده و ضمن ایجاد پویایی‌های مداوم در نظام، زمینه را برای ایجاد تنش، تضاد و برخورد میان نخبگان سیاسی فراهم می‌کند. سوم آنکه، انتخابات‌گرایی که نوعی ایدئولوژی است که انتخابات را بر دیگر وجوه دموکراسی ترجیح می‌دهد. در واقع پس از انقلاب، به طور متوسط سالانه یک انتخابات در ایران برگزار می‌شود که در اکثر آنها رقابت واقعی بین جناح‌های سیاسی درون نظام شکل می‌گیرد و منازعات سیاسی به درون اقشار مختلف مردم نیز کشیده می‌شود (دلفروز، ۱۳۹۳: ۲۲۸-۲۲۷).

در خصوص منابع طبیعی، می‌توان به منابع نفتی و معادن موجود در ایران اشاره کرد. ذخایر نفتی ایران حدود ۱۵۷,۵۳۰,۰۰۰,۰۰۰ بشکه برآورد شده است (Worldometers, 2020). در شرایط غیر تحریمی و قیمت بالای نفت، فروش نفت درآمدهای ارزی قابل توجهی نصیب ایران کرده که می‌تواند منجر به سرمایه‌گذاری‌های عمرانی و زیرساختی شده و در نهایت قدرت اقتصادی ایران را به طور چشمگیری افزایش دهد.

همچنین ایران دارای معادن متعددی شامل طلا، نقره، مس، آهن، روی، سرب، نیکل، کبالت، کرومیت، منگنز، تیتانیم، اورانیوم، گوگرد و ذغال سنگ می‌باشد. ایران با دارا بودن حدود ۶۸ نوع ماده معدنی (غیر نفتی)، ۳۷ بیلیون تن ذخایر کشف شده و ۵۷ بیلیون تن ذخایر بالقوه در میان ۱۵ قدرت معدنی جهان قرار دارد. تا سال ۲۰۱۱، ۵۵۰۰ معدن بالقوه در ایران وجود داشت که فقط ۳۰۰۰ معدن عملیاتی شده بودند و در سال ۲۲۰ میلیون تن مواد معدنی استخراج می‌کردند. ارزش تولید در بخش مواد معدنی و فلزات گرانها به مبلغ پنج میلیارد دلار در سال می‌رسد (International Magazine, 2015). همین منابع طبیعی، بخش کشاورزی و خدمات سبب شد تا در سال مالی ۲۰۲۰/۲۰۱۹ تولید ناخالص داخلی ایران، با وجود تحریم‌های اقتصادی یکجانبه آمریکا، به حدود ۴۴۰ میلیارد دلار برسد (World Bank, 2020).

علاوه بر منابع طبیعی، ایران توانسته است در سال‌های پس از انقلاب اسلامی صنایع خود را از لحاظ کمی و کیفی گسترش دهد، به طور مثال ایران در صنایع خودروسازی،

شیمیایی و پتروشیمی، کشتی‌سازی، برق و نیروگاه‌ها به پیشرفت‌های قابل توجهی دست یافته است. همچنین ایران در زمینه فناوری‌های برتر نظیر نانو تکنولوژی و بیوتکنولوژی به جمع صاحب‌نظران پیوسته است. حتی ایران توانسته است تا به کلوب بسیار انحصاری کشورهای هسته‌ای راه یابد از این منظر که به قابلیت غنی‌سازی اورانیوم دست یافته است (بشارتی، ۱۳۸۲: ۳۱۰).

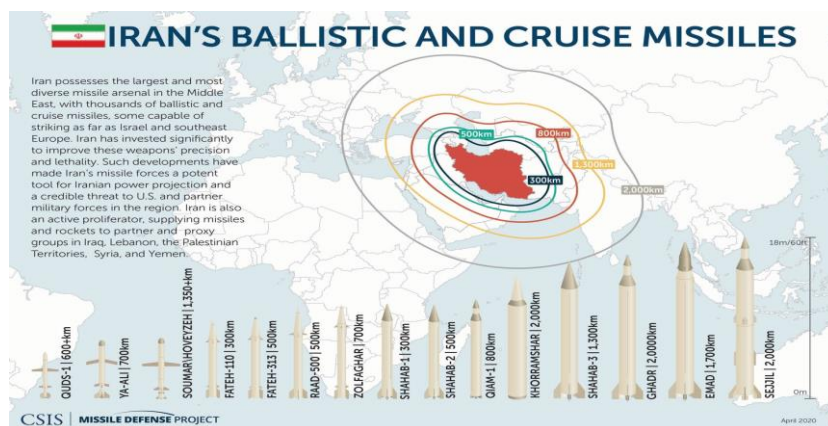
قدرت کل ایران در سال‌های اخیر به نحوی افزایش پیدا کرده است که «استفن والت» تصدیق می‌کند که هر چند ایالات متحده ایران را جز دولت‌های سرکش به حساب می‌آورد اما ایران در طول ۲۵ سال گذشته قدرتمندتر شده است (Walt, 2018: 34). به طور مثال او یادآوری می‌کند که سوریه و ایران در سال‌های اخیر تلاش کرده‌اند تا کوشش‌های آمریکا در خاورمیانه را با ناکامی روبرو سازند. همچنین به باور وی به دلیل رویکرد سازش‌ناپذیر ایالات متحده نسبت به برنامه هسته‌ای ایران، ایرانی‌ها که در سال ۲۰۰۰ هیچ سانتریفیوژی در اختیار نداشتند در سال ۲۰۱۵ صاحب ۱۹ هزار سانتریفیوژ شد (Walt, 2018: 67). همچنین نمود قدرت ایران را می‌توان در سوریه مشاهده کرد به طوری که در حال حاضر احتمال سقوط حکومت سوریه بسیار اندک است چرا که روسیه، ایران و حزب الله با کمک یکدیگر توانسته‌اند حکومت بشار اسد را در سوریه حفظ کنند (Mearsheimer, 2018: 157).

۴-۲. مجاورت جغرافیایی

ایران با ۱۵ کشور مرز مشترک آبی و خاکی دارد. با وجود اینکه جمهوری اسلامی ایران با آمریکا هیچ‌گونه مرز مشترکی ندارد و از لحاظ جغرافیایی بین دو کشور بیش از هفت هزار مایل (نزدیک به ۱۲ هزار کیلومتر) فاصله وجود دارد (Distance, 2018)، اما به دلیل حضور نظامی گسترده آمریکا در خاورمیانه و در جوار مرزهای ایران، می‌توان ایالات متحده را به گونه‌ای همسایه غیرمستقیم جمهوری اسلامی ایران به شمار آورد. ایالات متحده آمریکا در کشورهایی نظیر ترکیه (پایگاه اینجریلیک)، عربستان سعودی، کویت، قطر و بحرین (ناوگان پنجم دریایی) پایگاه نظامی دارد. علاوه بر این کشورها با حمله آمریکا به افغانستان در سال ۲۰۰۱ و به عراق در سال ۲۰۰۳، این کشور اقدام به

تاسیس پایگاه‌های نظامی در این کشورها کرد. در همین راستا آمریکا در عراق به صورت غیر رسمی کنترل پایگاه‌های نظامی البلد (در شمال بغداد)، الطلال (در جنوب عراق)، الاسد (در غرب بغداد)، الغایره (در شمال عراق و نزدیکی موصل) و کمپ لیبرتی را در اختیار دارد (چشم انداز ایران، ۱۳۸۶: ۱۱۵).

برخلاف حضور نظامی ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه، ایران هیچ گونه حضور نظامی در مجاورت مرزهای آمریکا ندارد. تنها ایران توانست روابط نزدیکی با کوبا برقرار کند که این رابطه هم با برقراری روابط دیپلماتیک بین آمریکا و کوبا به حاشیه رفت (Leogrand, 2015: 473). با وجود این توان دفاعی ایران، این قابلیت را به کشور داده است تا پایگاه‌های نظامی آمریکا را در تیررس موشک‌های خود قرار دهد. در شکل زیر می‌توان انواع موشک‌های ایران و بُرد آنها را مشاهده کرد. از میان موشک‌های ایران موشک سجیل، خرمشهر و قادر با برد دو هزار کیلومتر قدرتمندترین موشک‌های ایران شناخته شده‌اند و ایالات متحده واقعاً این سه نوع موشک را تهدید جدی به شمار می‌آورد. همچنین موشک‌های سومار، نوعی موشک کروز با دو الی سه هزار برد، حساسیت آمریکا را برانگیخته است (Missile Defense Project, July 16, 2020).



منبع: (Missile Defense Project, July 16, 2020)

۳-۴. قدرت تهاجمی

بر طبق برآورد آژانس اطلاعات دفاعی ایالات متحده، بودجه نظامی ایران در سال‌های ۲۰۱۶، ۲۰۱۷، ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ به ترتیب ۲۳،۹، ۲۷،۳ و ۲۰،۷ میلیارد دلار بوده است (Defense Intelligence Agency, 2019: 18).

همچنین براساس آمار موجود ایران دارای ۵۴۵ هزار نفر نیروی نظامی می باشد. از لحاظ تسلیحات نظامی ایران دارای ۱۶۰۰ تانک، ۸۰۰۰ واحد توپخانه ای، ۲۹۰ فرونده هواپیمای جنگی، پنج ناو جنگی و شش فروند زیردریایی می باشد (Cordesman and Kleiber, 2007: 3-7). علاوه بر این تسلیحات، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سرمایه‌گذاری بسیاری بر روی صنایع موشکی کرده است. از میان این موشک‌ها می توان به موشک شهاب، سجیل یک و سجیل دو اشاره کرد. موشک سجیل دو حدود ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ کیلومتر برد دارد که قابلیت حمل یک کلاهک ۱۰۰۰ کیلوگرمی را نیز دارد. همچنین این موشک به یک سیستم جدید جهت‌یابی مجهز شده است (National Interest, January 23, 2015).

همچنین برآوردها نشان می‌دهد که موشک شهاب سه بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر برد دارد و شباهت بسیاری به موشک‌های نو دونگ کره شمالی و موشک‌های گاری پاکستان دارد. در عین حال چارلز ویک تحلیل‌گر نظامی بر این عقیده است که موشک شهاب سه با یک کلاهک ۵۵۰ کیلوگرمی تا ۱۶۰۰ کیلومتر و با یک کلاهک ۱۱۵۸ کیلوگرمی تا ۱۳۵۰ کیلومتر برد دارد (Garwin, 2008: 40).

چنین توانمندی نظامی برخی از کارشناسان را به این باور رسانده است که ایران می‌تواند با بستن تنگه هرمز، از طریق مین‌گذاری در آن و بهره‌گیری از قایق‌های تندرو و زیردریایی‌هایش، سبب افزایش قیمت نفت شود. همچنین ایران می‌تواند موشک‌های ضدکشتی خود را در جزایر قشم، سیری و ابوموسی مستقر سازد و تمام منطقه تنگه هرمز را تحت پوشش امنیتی خود قرار دهد. در واقع حاکمیت جمهوری اسلامی ایران بر جزایر ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک توانایی دفاعی ایران را ارتقا می بخشد (Sokolski, 2013: 239).



اما از سوی دیگر ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که تجهیزات نظامی ایران به طور کلی از رده خارج هستند و در حال حاضر بسیاری از واحدهای نظامی ایران پایین‌تر از حد لازم قدرتمند هستند. اما در عین حال جمهوری اسلامی ایران قادر است تا به سرعت صدها هزار نیروی ذخیره و داوطلب بسیار پر انگیزه خود را بسیج کند (Brower, 2013: 84).

به طور کلی اصول دکترین دفاعی ایران بر پایه خودکفایی شکل گرفته است و هر چند ارتش ایران دارای تجهیزات نظامی با فناوری فوق پیشرفته نیست اما لزوماً این تجهیزات غیرمدرن نیستند. باید توجه داشت که آرایش نیروهای نظامی ایران عمدتاً دفاعی است. در واقع ایران پیروزی را در ناکام گذاشتن اهداف دشمن می‌داند (Chubin, 2014: 77-78).

با وجود این ایران برای رفع آسیب‌پذیری خود در زمینه تجهیزات نظامی تصمیم گرفته است تا تسلیحات مورد نیاز خود را از کشورهای دیگر وارد کند. به گفته آژانس اطلاعات دفاعی ایالات متحده، با رفع تحریم تسلیحاتی، مقامات ایرانی به دنبال خرید تانک‌های روسی، اس-۴۰۰ و سامانه موشکی دفاع ساحلی باستیون هستند. علاوه بر این، تهران به هواپیماهای روسی سوخوی-۳۰، هواپیمای پیشرفته آموزش خلبانی Yak-130 و تانک‌های T-90 نیز علاقه مند است (Mardasov, 2020). با لغو تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل، ایران حجم بالقوه معاملات خرید تسلیحات روسی را تا ۸ میلیارد دلار تخمین زده است. به ویژه در آگوست ۲۰۱۷، ایران خواستار تهیه ۲۴ جنگنده Su-35 و Su-30SM (به ترتیب ۱۸ و ۶ واحد) شد (Хетагуров, 2017).

شاید مهم‌ترین قدرت نظامی جمهوری اسلامی ایران در آنچه محور مقاومت نامیده می‌شود، نهفته باشد. علاوه بر حزب‌الله لبنان، حماس و جهاد اسلامی در نوار غزه و جنبش الحوثی در یمن، گروه‌های مقاومت در عراق از مهم‌ترین نیروهای نیابتی ایران در منطقه آسیای غربی هستند. این گروه‌ها شامل حشدالشعبی، کتائب حزب‌الله، حرکات النجبا، سازمان بدر، عصائب الحق، کتائب امام علی، کتائب سیدالشهدا و نیروهای ابوالفضل العباس باشند (IISS, November 2019). در همین راستا، مکس بوت، کارشناس شورای روابط خارجی، استدلال می‌کند که ایران به دنبال «لبنانیزه» کردن عراق است به گونه‌ای که این امکان را در تئوری فراهم می‌کند که یک حکومت غرب‌گرا حاکم شود اما قدرت واقعی

توسط شبه‌نظامیان مورد حمایت ایران اعمال شود. در لبنان آن نیرو حزب‌الله و در عراق آن نیروها کتائب حزب‌الله و عصائب‌الحق هستند (Boot, 2020).

۴-۴. نیات تهاجمی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، برخی از رهبران انقلاب بسیار مصمم بودند تا اصول انقلابی خود را به کشورهای دیگر صادر کنند. از سویی دیگر به دلایل تاریخی انقلاب ایران از لحاظ کلی ماهیتی ضد غربی و به‌طور خاص ماهیتی ضدآمریکایی داشت که به‌طور بارزی در شعار «نه غربی و نه شرقی جمهوری اسلامی» تبلور یافت. همین امر سبب شد تا دانشجویان پیرو خط امام سفارت آمریکا را در آبان ۵۸ اشغال کنند.

به‌دلیل جو سیاسی انقلابی آن دوران، امام خمینی (ره) پشتیبانی کامل خود را از این اقدام اعلام کرد. این حمایت صریح از جانب رهبر انقلاب سبب شد تا دوره ای که به «دوره انقلابی‌گری» در ایران شهرت یافته است به شدت از سوی گروه‌های سیاسی مورد حمایت قرار بگیرد (Mahdavi, 2014: 145). حتی امام خمینی (ره) این واقعه انقلابی را انقلاب دوم نامید و آن را مهم‌تر از سرنگونی رژیم سلطنتی محمد رضا شاه خواند. پس از انقلاب دوم تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی مشروعیت نظام بین‌المللی موجود را زیر سوال بردند (رمضانی، ۱۳۸۸: ۵۹-۵۸). در جایی دیگر بنیان‌گذار جمهوری اسلامی بر مبارزه با اتحاد جماهیر شوروی سابق و ایالات متحده آمریکا تأکید می‌کند و اظهار می‌دارد که «قیام ملت ایران یک قیام الهی است، این قیامی که الان ملت ایران کرده‌اند در مقابل همه این ابر قدرت‌هاست و این ابر قدرت‌ها را شما اطمینان داشته باشید که نمی‌توانند کاری انجام دهند. یعنی خدای تبارک و تعالی این‌ها را در مقابل هم قرار داده است» (نقیب زاده، ۱۳۸۸: ۲۲۴).

اما پس از جنگ ایران و عراق شدت علاقه رهبران جمهوری اسلامی ایران به صدور انقلاب به تدریج کاهش یافت به نحوی که آقای هاشمی رفسنجانی بر این نکته تأکید می‌کرد که «جهان اشتباه فکر می‌کند که ما می‌خواهیم انقلابمان را با حمله به کشورهای دیگر از طریق جنگ صادر کنیم» (رمضانی، ۱۳۸۸: ۶۹). همان‌طور که از صحبت‌های آقای هاشمی پیداست تمایل سران جمهوری اسلامی ایران در همه دوران‌ها یکسان نبوده است. این نکته را می‌توان در نگرش گوناگون دولت‌ها در دوران «سازندگی»، «اصلاحات»، «مهرورزی» و



«تدبیر و امید» نسبت به اصل صدور انقلاب و شیوه های صدور آن در مشاهده کرد. با این حال دکتر سریع القلم بر ثبات در اصول سیاست خارجی ایران تاکید می کند و می افزاید که جمهوری اسلامی نمی تواند تحولی اساسی در سیاست خارجی خود صورت دهد و این موضوع فراتر از دولت ها و مجلس هاست (سریع القلم، ۱۳۹۱: ۲۶۰). با این حال تحول نسلی در ایران سبب شده است تا نگرش ایرانی ها نسبت به ایالات متحده دستخوش دگرگونی شود. به عقیده «نیکولا پده»، مدیر موسسه مطالعات جهانی در رم، ایران از زمان انقلاب اسلامی شاهد سه نسل بوده است. نسل اول به شدت حامی ایدئولوژی انقلاب اسلامی و مخالف تعامل با غرب بود. نسل دوم محصول جنگ ایران و عراق بود و شامل کسانی می شد که عقیده داشتند ایران می تواند بر جهان خارج تاثیر بگذارد و دشمنان خارجی اش را مهار کند. به عقیده پده هر دو نسل اول و دوم اصرار می ورزند که جمهوری اسلامی ایران هدف همیشگی غرب و ایالات متحده خواهد بود. در ادامه پده استدلال می کند که نسل سوم که شامل اکثر جوانان می شود در حاکمیت جایی ندارند (Wilson Center, January 15, 2015). به باور او وجود این سه نسل نشان می دهد که حاکمیت در ایران «یکپارچه» نیست. از همین رو انتظار می رود که دو جریان سیاسی عمده در ایران درباره رابطه با آمریکا اختلاف نظر داشته باشند. از یک سو اصلاح طلبان که همواره بر مذاکره و توافق با ایالات متحده تاکید می کنند و از سوی دیگر اصول گرایان، ظاهراً مخالف تعامل جدی با ایالات متحده هستند. بنابراین به نظر می رسد نیت تهاجمی ایران نسبت به آمریکا در طول چهل سال گذشته جرح و تعدیل شده است.

با وجود این برخی از دولت ها با پیگیری سیاست خارجی به شدت تهاجمی سبب شده اند تا برخی از سیاستمداران غربی نسبت به نیت ایران سوظن پیدا بکنند. به طور مثال هنری کسینجر وزیر سابق امور خارجه آمریکا در دوران ریاست جمهوری نیکسون بر این باور است که «یک کمربند شیعی از تهران به بیروت از مسیر بغداد در حال شکل گیری است. این کمربند به ایران این فرصت را می دهد تا امپراطوری ایرانی باستانی خود را این بار با نمادی شیعی احیا کند» (Wahid Hanna and Dassa Kaye, 2015: 175).

این نگرانی اندیشمندان غربی بدان جهت است که، به بیان شیرین هانتر، عامل ضدیت با غرب و اسرائیل، اثرات بسیار عمیقی بر تمایلات قویاً ضد امپریالیستی نظام اسلامی داشته

است و در قالب اصطلاحات رایج در ادبیات نظام از قبیل استکبار جهانی خود را نشان داده است (هانتر، ۱۳۹۲: ۷۷). اما در عین حال جمهوری اسلامی ایران براساس آموزه‌های اسلامی خود را به برخی از هنجارهای بین‌المللی مقید می‌داند. بر همین اساس قراردادهای بین‌المللی مهم ترین عامل در تحدید مسؤلیت‌های فراملی حکومت جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. اما اصل حمایت از مسلمانان و مستضعفان در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند این شائبه را به وجود آورد که ایران قصد مداخله در کشورهای دیگر را دارد (حقیقت، ۱۳۸۹: ۱۴۷-۱۴۶).

از لحاظ ایدئولوژیکی، ایران، ایالات متحده را به مثابه شیطان بزرگ به تصویر کشیده است چرا که آمریکا حامی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و پشتیبان محمدرضا شاه پهلوی بوده است. در همین راستا ایران بر این عقیده است که آمریکا حاکمیت آن را بارها نقض کرده است. همچنین براساس جمهوری اسلامی ایران براساس ایدئولوژی اسلامی خود دولت آمریکا را فاسد و شیطانی در نظر گرفته است (Friedman, 2013).

با وجود این، «سایمون» و «استیونسون» بر این باورند که دیدگاه ایالات متحده در قبال ایران، به ویژه در دوران ریاست جمهوری ترامپ، به عنوان یک رقیب استراتژیک جدی برای آمریکا غیرمنطقی است. به عقیده آنها، ایران هیچ کدام از منافع اساسی آمریکا را در معرض خطر قرار نداده است. ایران از حمله به نیروهای آمریکایی و یا سرزمین ایالات متحده خودداری کرده است و حتی نیروهای ایران بدون درگیری همراه با نیروهای آمریکایی در عراق حضور دارند. در نتیجه می‌توان گفت که ایران قصدی برای ضربه زدن به منافع آمریکا در منطقه را ندارد (Foreign Affairs, August 13, 2018).

۵. ایالات متحده آمریکا

۵-۱. قدرت کل

ایالات متحده آمریکا کشوری است که دارای جمعیتی بالغ بر ۳۱۸ میلیون نفر است که ۵۰ درصد از این جمعیت را زنان تشکیل می‌دهند (World Bank). بر اساس آمارهای موجود ۹۹ درصد مردم آمریکا با سواد هستند (Index Mundi, 2018).



بر طبق آمارهای موجود تولید ناخالص داخلی آمریکا در سال ۲۰۲۰، ۲۰،۸۰ تریلیون دلار بوده است که میزان، جایگاه ایالات متحده در رتبه اول اقتصاد جهانی حفظ کرده است (Statista, 2020).

اما شاید مهم‌ترین منبع قدرت آمریکا فرهنگ سیاسی و نوع حکومت آن باشد. در واقع آمریکایی‌ها حکومت‌های پادشاهی و استبدادی را نفی می‌کنند. به بیان آبراهام لینکلن حکومت باید از مردم، بوسیله مردم و برای مردم باشد. در نهایت مشروعیت حکومت از نظر آمریکایی‌ها بر پایه رضایت عموم استوار است و مردم این حق را دارند که از حکومت راضی نباشند و حاکمان را از طریق انتخابات آزاد و منصفانه همواره پاسخگو و مسئول نگه دارند. همچنین قدرت حکومت از طریق یک قانون اساسی محدود شده است که در آن همه شهروندان برابر با یکدیگر قلمداد شده اند (Singh, 2003: 9). به بیان «ساموئل هانتینگتون» زمانی که یک آمریکایی درباره حکومت‌سازی فکر می‌کند خود را ملزم به ایجاد اقتدار و انباشت قدرت نمی‌کند بلکه به دنبال ایجاد محدودیت در اقتدار و تقسیم قدرت است (Fukuyama, 2014).

اما از سوی دیگر اندیشمندانی نظیر «فرانسیس فوکویاما» هشدار می‌دهند که در حال حاضر نظام سیاسی ایالات متحده آمریکا در معرض افول قابل توجهی قرار گرفته است. همچنین به گفته «سارا بایندر» فاصله ایدئولوژیک بین احزاب آمریکا به حدی افزایش یافته است که از پایان قرن نوزدهم بی‌سابقه بوده است. این موضوع را می‌توان به خوبی در مباحثاتی که بین احزاب آمریکا در کنگره صد و یازدهم بر سر موضوعاتی چون اصلاح بیمه درمانی، بودجه، نظام مالی، معاهده کنترل تسلیحات و بازبینی سیاست ارتش درباره همجنس‌گرایان درگرفت، مشاهده کرد (Nye, 2015: 78).

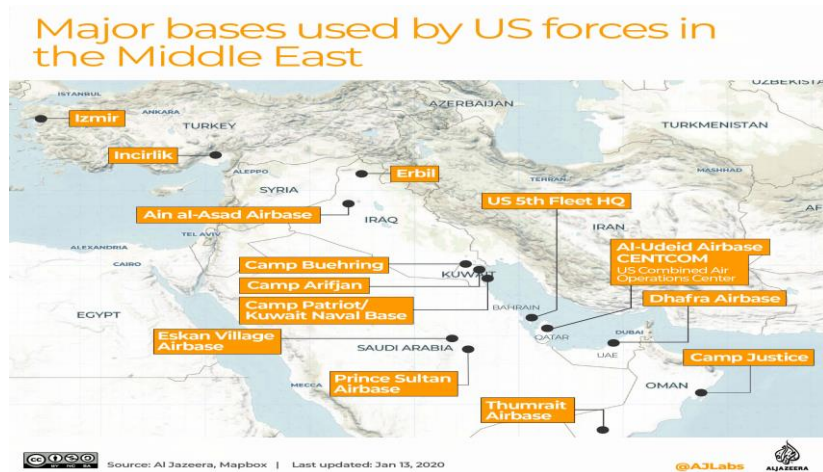
به دلیل همین شکاف ایدئولوژیک بین نمایندگان کنگره، اندیشمندان سیاسی وجود یک قوه مجریه قدرتمند را نه تنها تهدیدی برای دموکراسی آمریکا ندانسته‌اند بلکه آن را ناجی دموکراسی آمریکایی می‌دانند (Gitelson and Others, 2012: 283).

به بیان جوزف نای اگر از مردم آمریکا پرسید آیا سیستم دموکراتیک حکومت را تایید می‌کنند یا خیر، پاسخ ۹۰ درصد از آنان مثبت خواهد بود. اما به طور کلی ایالات متحده تا حدی بر پایه بی‌اعتمادی به دولت تشکیل شده و قانون اساسی ایالات متحده آمریکا به طور

سنجیده ای در تقابل لا تمرکز قدرت تدوین یافته است. یک سنت دیرینه جفرسونی می‌گوید که آمریکایی‌ها نباید زیاد نگران عدم اعتماد عمومی به دولت باشند (نای، ۱۳۹۳: ۳۰۶).

۲-۵. مجاورت جغرافیایی

همان‌طور که پیش از این بیان شد جمهوری اسلامی ایران و آمریکا هیچ مرز مشترکی با هم ندارند اما به دلیل حضور نظامی گسترده ایالات متحده آمریکا در کشورهای خاورمیانه، می‌توان این ادعا را داشت که ایران و آمریکا به‌طور غیر مستقیم با یکدیگر همسایه هستند. این مجاورت جغرافیایی این زمینه را به وجود می‌آورد که این دو کشور و به خصوص ایران تهدیدات صورت گرفته از جانب طرف مقابل را بسیار جدی ارزیابی کنند. در نقشه زیر پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه ترسیم شده‌اند.

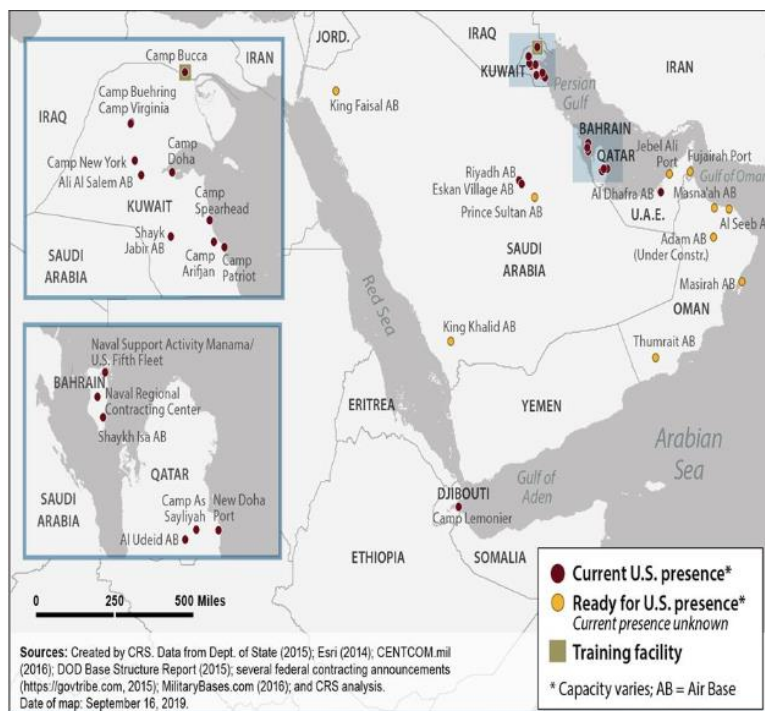


منبع (Aljazeera, January 13, 2020)

برهمن اساس حدود ۱۶ هزار سرباز آمریکایی در کویت، چهار هزار در امارات متحده عربی، چند صد نفر در عمان، پنج هزار در بحرین، بیش از سه هزار نفر در عربستان سعودی، ۱۰ هزار نفر در قطر و سه هزار نفر در اردن مستقر شده‌اند. همچنین فرماندهی سنتکام در خاورمیانه، عملیات‌های خود را از طریق چهار مرکز فرماندهی

شامل نیروی دریایی ایالات متحده در خاورمیانه، نیروی زمینی ایالات متحده در خاورمیانه، نیروی هوایی ایالات متحده در خاورمیانه و نیروی تفنگداران ایالات متحده در خاورمیانه انجام می دهد (Heritage, November 17, 2020).

همچنین طبق نقشه زیر بیشترین پایگاه‌های منطقه‌ای سنتکام در حاشیه جنوبی خلیج فارس تاسیس شده‌اند که در نقشه زیر مشخص شده‌اند. بر همین اساس، ایالات متحده می‌تواند نیروهای اضافی در سه پایگاه دیگر خود در عربستان سعودی (از میان پنج پایگاه)، در یک پایگاه دیگر در امارات (از میان سه پایگاه) و در پنج پایگاه خود در عمان مستقر سازد. همچنین ایالات متحده در مرز بین عراق و کویت یک پایگاه نظامی آموزشی نیز دایر کرده است (Katzman, 2021: 28).



منبع: (Katzman, 2021: 28)

1. U.S. Naval Forces Middle East [USNAVCENT]
2. U.S. Army Forces Middle East [USARCENT]
3. U.S. Air Forces Middle East [USAFCENT]
4. U.S. Marine Forces Middle East [MARCENT]

۳-۵. قدرت تهاجمی

بودجه نظامی ایالات متحده آمریکا در سال مالی ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ به ترتیب حدود ۷۳۸ و ۷۴۰ میلیارد دلار بوده است (Center for American Progress, May 6, 2020).

این بودجه فوق العاده زیاد سبب شده است که کل بودجه نظامی آمریکا با مجموع بودجه نظامی کشورهای چین، روسیه، عربستان سعودی، فرانسه، انگلستان، آلمان، ژاپن، هند و کره جنوبی برابر باشد. کشور چین که بعد از ایالات متحده بیشترین بودجه نظامی را دارد سالیانه حدود ۲۰۰ میلیارد دلار را به بخش نظامی اختصاص می دهد. به بیان دیگر، ۳۷ درصد مخارج نظامی جهان که حدود ۱/۷ تریلیون دلار در سال است توسط ایالات متحده آمریکا صرف می شود (National

Priorities, January 4, 2016)

چنین بودجه نظامی برای آمریکا این امکان را فراهم می آورد تا تجهیزات و امکانات نظامی گسترده ای را مهیا کند. بر همین مبنا در حال حاضر آمریکا دارای ۱/۴۰۰/۰۰۰ نیروی نظامی فعال و ۱/۱۰۰/۰۰۰ نیروی نظامی ذخیره می باشد. همچنین آمریکا از لحاظ تجهیزات نظامی دارای ۸/۸۰۰ تانک، ۱/۲۹۹ واحد توپخانه، ۶/۱۹۶ هلی کوپتر، ۹۲۰ هلی کوپتر جنگی، ۲۰ ناو هواپیما بر و ۷۲ زیردریایی می باشد (Global firepower, 2015).

علاوه بر تسلیحات متعارف، ایالات متحده آمریکا پس از جنگ جهانی دوم ساخت سلاح های هسته ای خود را گسترش داد. امروزه ایالات متحده دارای ۷/۱۰۰ سلاح هسته ای است که ۱/۵۳۸ آنها بر روی موشک های بالستیک قرار گرفته اند یا در پایگاه های هوایی ایالات متحده مستقر شده اند (Armscontrol, 2015).

چنین توانمندی نظامی این گفته پل کندی را تا حدودی تایید می کند که این میزان از نابرابری در قدرت تا کنون هرگز سابقه نداشته است (بروکز و ولفورث، ۱۳۹۲: ۵۶).

در پایان اگر بخواهیم مقایسه ای از تجهیزات نظامی جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده ارائه دهیم جدول زیر می تواند حداقل از لحاظ کمی نمونه مناسبی باشد.

کشور	ایالات متحده آمریکا	جمهوری اسلامی ایران
نیروی نظامی فعال	۱/۴۰۰/۰۰۰ نفر	۵۲۵ هزار نفر
نیروی نظامی ذخیره	۸۴۵ هزار نفر	۳۵۰ هزار نفر
هواپیما (همه انواع)	۱۳/۲۳۳ فروند	۵۱۶ فروند
فرودگاه	۱۳/۵۱۳	۳۱۹
تانک	۶۱۰۰ دستگاه	۳۷۰۹ دستگاه
ناو هواپیمابر	۱۱	۰
زیردریایی	۶۸	۲۹
ناو محافظ	۱۰	۶
ناو شکن	۶۲	۰
ناو جنگی تندرو	۰	۳
سلاح هسته ای	۷۱۰۰	۰

(منبع: Global firepower, 2021)

بر اساس جدول بالا، توانمندی و میزان تسلیحات نظامی دو کشور، حداقل از لحاظ کمی، به شدت از هم فاصله دارد به گونه‌ای که نشان‌دهنده برتری نظامی آمریکا است. با این وجود، این جدول نمی‌تواند انگیزه نیروهای نظامی دو طرف را نشان دهد در نتیجه می‌توان امیدوار بود که با افزایش روحیه در میان نیروهای نظامی ایران ضعف‌های دیگر را تا حدودی پوشش داد.

۵-۵. نیات تهاجمی

با پیروزی انقلاب اسلامی و وقایع سیاسی پس از آن رابطه ایران با غرب و به خصوص آمریکا وارد مرحله‌ای جدید و پیچیده شد. البته رقبا و دشمنان ایالات متحده باید به این نکته توجه داشته باشند در زمانی که موضوع جایگاه ایالات متحده مطرح است، آمریکا حاضر است برای پشتیبرد منافع ملی خود دست به خطر بزند (Wolf, 2017: 109). علاوه بر این، به دلیل شکاف ایدئولوژیک بین دو کشور، آمریکا استدلال می‌کند که ایران در هر لحظه می‌تواند منافع این کشور را با خطر مواجه سازد. از همین رو نومحافظه‌کاران

آمریکایی ایران را محور شرارت توصیف کرده و نمود آن را در حادثه گروگانگیری سال ۱۳۵۸ می‌بینند. به همین دلیل ایالات متحده اصرار می‌ورزد که ایران قوانین بین‌المللی را نقض کرده است. در سطحی شدیدتر، برخی از سیاستمداران آمریکایی ادعا می‌کنند که ایدئولوژی اسلامی ایران سبب شده است که حکومت این کشور، حکومتی خشن و سرکوبگر باشد (Friedman, 2013).

با پیروزی باراک اوباما در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا تا حدودی از نیات تهاجمی آمریکا (از لحاظ نظامی) کاسته شد. وی وعده داد تا به جای مقابله با ایران، برای مقابله با برنامه هسته‌ای ایران به دیپلماسی روی آورد (Gerges, 2013: 318-319). علی‌رغم دستیابی به توافق هسته‌ای، سیاستمداران آمریکایی همچنان خواستار مهار جمهوری اسلامی ایران هستند. با این وجود باراک اوباما بارها راهبرد خود در برابر ایران را بازدارندگی و نه مهار اعلام کرد (دیپلماسی ایرانی، ۲۹ اردیبهشت ۹۲). با ورود دونالد ترامپ به کاخ سفید، که به عنوان یک رئیس جمهور جکسونی از او یاد می‌شود، ایالات متحده در قبال مسائل بین‌المللی از جمله مسئله ایران رویکردی یکجانبه‌گرایانه در پیش گرفت (Clarke and Ricketts, 2017: 373).

با انتخاب ترامپ به عنوان ۴۵ امین رئیس جمهور ایالات خروج این کشور از برجام و آغاز تحریم‌های نفتی و بانکی از نیمه آبان ماه ۱۳۹۷، احتمال افزایش تنش بین دو کشور بیش از پیش افزایش یافت. ترامپ توافق هسته‌ای با ایران را احمقانه، فاجعه‌بار و وحشتناک توصیف کرد (Macdonald, 2018: 427). در همین زمینه «مایک پمپئو»، وزیر خارجه آمریکا، چنین ادعا کرده است که ایران دارای یک حکومتی با «ماهیتی فرا قانونی» است. وی ایران را متهم کرده است که در کشورهای افغانستان، عراق، لبنان، سوریه، یمن و غزه دست به فعالیت‌های خرابکارانه زده است. پمپئو اعلام کرد که برای مقابله با ایران، دولت ترامپ یک استراتژی فشار حداکثری چند جانبه را در نظر گرفته است. وی از بازدارندگی به عنوان دومین جنبه استراتژی دولت ترامپ در قبال جمهوری اسلامی ایران یاد کرد و بر این موضوع تاکید نمود که ایالات متحده به دنبال جنگ نیست (Foreign Affairs, November/December 2018).

اتخاذ چنین سیاست خارجی موجب شده است که بسیاری تیم جدید سیاست خارجی ایالات متحده را خطرناک توصیف کنند. در واقع تیلرسون، وزیر خارجه سابق دولت ترامپ و مک مستر، مشاور سابق امنیت ملی ترامپ، موانع جدی بر سر راه دولت او، از جمله تصمیم ترامپ برای خروج از برجام، محسوب می شدند. با جایگزینی آنها توسط مایک پمپئو و جان بولتون می توان انتظار داشت که سیاست خارجی ایالات متحده در دوران ترامپ، یکجانبه‌گرایانه‌تر و تهاجمی‌تر از دوران اوباما شود (Strategic Comments, 2018). سیاست ترامپ در قبال ایران چشم‌اندازی برای یک راه‌حل دوستانه برای رفع تنش بین طرفین باقی نگذاشت. اما زمانی که متحدین آمریکا از جمله بریتانیا، آلمان و فرانسه از سیاست ترامپ حمایت نکردند و روسیه و چین خود را مصرانه پایبند به برجام نشان دادند تنها عربستان سعودی، امارات متحده عربی و اسرائیل با رویکرد فشار حداکثری همراه شدند. آمریکا به همراه این سه کشور به شدت نگران نفوذ منطقه‌ای ایران در عراق، سوریه، خلیج فارس و سواحل دریای مدیترانه هستند. حضور گروه‌های مقاومت مورد حمایت ایران در سوریه و لبنان، اسرائیل را نگران ساخته و حضور الحوثی مورد پشتیبانی ایران در یمن، عربستان و امارات را به وحشت انداخته است. دولت ترامپ از این وضعیت استفاده کرد تا این کشورها را با سیاست فشار حداکثری خود همراه سازد (Nuruzzaman, 2020: 576).

در همین راستا در ۱۵ آوریل ۲۰۱۹، دولت ترامپ، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست گروه‌های تروریستی خود قرار داد تا فشارهای سیاسی و نظامی بر ایران افزایش دهد (Reuters, April 15, 2019). بر همین مبنا دولت ایالات متحده آمریکا در سوم ژانویه ۲۰۲۰ سردار قاسم سلیمانی را با حمله پهپادی در فرودگاه بین‌المللی بغداد به شهادت رساند (The New York Times, 2020).

این گونه اقدامات سبب شد تا برخی از پژوهشگران آمریکایی، نظیر ریچارد هاس استدلال کنند که سیاست‌های خصمانه دولت ترامپ در قبال ایران سبب شد تا ایران از تعهدات برجامی خود عقب نشینی کند. در این صورت فاصله ایران با ساخت آنچه که تسلیحات هسته‌ای می‌نامد، کوتاه‌تر شود و هزینه‌های ایالات متحده و اسرائیل برای مقابله با ایران هسته‌ای افزایش یابد (Hass, 2020).

با شکست ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ و پیروزی جو بایدن، افرادی وارد تیم امنیتی و سیاست خارجی کاخ سفید شدند که به دیپلماسی و چندجانبه‌گرایی بهای بیشتری می‌دهند. در این بین آنتونی بلینکن، به عنوان وزیر امور خارجه، به دنبال آن است تا روحیه و کارآمدی گروه دیپلماتیک آمریکا را افزایش دهد به طوری که قصد دارد دیپلمات‌های حرفه‌ای و مستعدی که در دولت ترامپ از دستگاه دیپلماسی آمریکا کنار گذاشته شدند، بار دیگر به کادر وزارت خارجه بازگرداند (Mathews, 2021: 12). با این وجود رویکرد دولت بایدن در قبال ایران پیچیده و چندبعدی است. دولت بایدن ایران را یک بازیگر بی‌ثبات‌کننده در خاورمیانه می‌داند که نباید به آن اجازه دسترسی به تسلیحات هسته‌ای را داد. از سوی دیگر، او رویکرد دولت ترامپ در قبال ایران را یک «ایجاد فاجعه برای خود» توصیف می‌کند و استدلال می‌کند که خروج ترامپ از برج‌ام، ایران را از ساخت سلاح هسته‌ای دور نساخت. بر همین اساس، بایدن وعده داده است که در صورت اجرای تعهدات برج‌امی از سوی ایران، به این توافق بازخواهد گشت (Council on Foreign Relations, November 7, 2020).

در نهایت اینکه به نظر می‌رسد دولت بایدن به جای سیاست «فشار حداکثری»، سیاست «دیپلماسی حداکثری» و به جای سیاست «اول آمریکا»، سیاست «اول دیپلماسی» را اتخاذ کرده است. بر همین اساس دولت بایدن سعی خواهد کرد تا از تلاش دیپلماتیک برای تنش‌زدایی بین قدرت‌های منطقه‌ای در خاورمیانه استفاده کند و در همین راستا سطح تنش بین خود و ایران را کاهش دهد. به منظور نیل به این هدف، احتمالاً دولت بایدن در نظر دارد گفتگوهای جامعی را با ایران در ازای لغو جزئی برخی تحریم‌ها آغاز کند. به نظر می‌رسد توافق موقت بین ایران و گروه پنج به علاوه یک در سال ۲۰۱۳، تلاش برای تضمین امنیت دریایی در خلیج فارس و حل و فصل مسئله یمن نقطه آغاز خوبی برای پیگیری دیپلماسی حداکثری دولت بایدن باشد (Katulis and Juul, 2020).

1. Maximum Diplomacy
2. America First
3. Diplomacy First

علاوه بر این، از زمان دولت اوباما و شکل‌گیری برجام، حاکمیت در ایالات متحده نگاهی متحد و یکپارچه در قبال ایران نداشته است. از یک سو دموکرات‌ها هستند که حامی تداوم برجام و اعطای امتیاز به ایران هستند و از سوی دیگر جمهوری خواهان، همانند دولت ترامپ، که به صورت یکپارچه با هرگونه لغو یا تعلیق تحریم ایران مخالفت می‌ورزند و استدلال می‌کنند تا پیش از دستیابی به یک توافق جامع با ایران، که در کنگره هم تصویب شده باشد، هیچ تحریمی نباید تعلیق یا لغو شود.

۶. نتیجه‌گیری

بر پایه متغیرهای نظریه موازنه تهدید که شامل قدرت کلی، مجاورت جغرافیایی، قدرت تهاجمی و نیت تهاجمی می‌شود می‌توان میزان تهدیدات جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا نسبت به یکدیگر را سنجید. بر این اساس در این نوشتار متغیرهای فوق را براساس شاخص‌های کمی و کیفی مورد ارزیابی قرار گرفتند به طوری که قدرت کلی با شاخص کمی و کیفی، مجاورت جغرافیایی و قدرت تهاجمی با شاخص کمی و نیت تهاجمی با شاخص کیفی سنجیده شدند.

در بین سال‌های ۲۰۱۶ الی ۲۰۲۱، دولت تدبیر و امید در ایران به دنبال تعامل با آمریکا بوده است، اما در این بازه زمانی آمریکا شاهد حضور سه رئیس‌جمهور با رویکردهای متفاوت بوده است. دولت باراک اوباما با وجود پذیرش حقوق هسته‌ای ایران در قالب برجام، قصد داشت تا برای تحدید نفوذ منطقه‌ای ایران و کنترل برنامه موشکی ایران به مذاکرات خود با ایران ادامه دهد. با این وجود او نتوانست برای پیشبرد برجام، موافقت کامل کنگره را به دست بیاورد و آن در قالب معاهده در نهاد قانون‌گذاری آمریکا به تصویب برساند. از سوی دیگر، اوباما به منظور مهار داعش نیروهای نظامی آمریکا را به عراق و سوریه گماشت که حضور آنها پس از نابودی داعش، تهدیدی بالقوه برای منافع جمهوری اسلامی ایران در منطقه به شمار می‌رفت.

پس از ورود دونالد ترامپ، روابط ایران و آمریکا به سمت تنش‌های بی‌سابقه‌ای پیش رفت. با خروج دولت ترامپ از برجام، وضع تحریم‌های گسترده اقتصادی علیه ایران و قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دو کشور را تا مرز یک درگیری نظامی

پیش برد. پس از ترور سردار سلیمانی و واکنش ایران به آن، از طریق حمله موشکی به پایگاه عین‌الاسد در عراق، احتمال جنگ بین دو کشور روز به روز افزایش می‌یافت. شاید بتوان گفت انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا و فراگیری بیماری کرونا سبب شد تا کمی از این تنش‌ها کاسته شود. با این وجود، در هفته‌های آخر حضور ترامپ در کاخ سفید، پروازهای چندین باره اسکادران هوایی بی ۵۲ آمریکا در منطقه، بار دیگر سطح تنش‌ها را افزایش داد و موجب شد تا ایران با برگزاری رزمایش‌های نظامی متعدد به آن پاسخ بگوید.

با پیروزی جو بایدن در انتخابات ۲۰۲۰، امیدها برای کاهش تنش‌های سیاسی نظامی بین ایران و ایالات متحده بار دیگر افزایش یافت. از آنجایی که دموکرات‌ها رویکرد سیاست خارجی خود را بر مبنای دیپلماسی و چندجانبه‌گرایی قرار دادند، این انتظار می‌رفت که با بازگشت آمریکا به برجام و لغو تحریم‌ها، روابط دو کشور از حالت تهدیدآمیز خارج شود. اما سیاست مبهم دموکرات‌ها در قبال ایران فضای پیچیده‌ای را به وجود آورده است. آنها تلاش می‌کنند تا با همکاری با متحدین اروپایی خود برجام را احیا کنند، اما همزمان قصد دارند تا ایران را مجبور سازند که تقویت و تکمیل برجام را بپذیرد. همچنین دولت جو بایدن وعده داده است از برجام به عنوان سکویی برای رسیدگی به نفوذ منطقه‌ای و مسائل موشکی ایران استفاده کند. چنین سیاستی می‌تواند نه تنها تنش‌ها بین دو کشور را حفظ کند بلکه با مقاومت ایران در برابر پذیرش درخواست‌های فرابرجامی آمریکا، درگیری نظامی محدود بین ایران و آمریکا و یا حتی اسرائیل در آینده غیرممکن نیست.

منابع

- بروکز، استفان، ولفورث، ویلیام (۱۳۹۲). **جهان نامتوازن: روابط بین الملل و چالش استیلا جویی آمریکا**، تهران: اداره نشر وزارت امور خارجه.
- بشارتی، علی محمد (۱۳۸۲)، «بهره برداری صلح آمیز از انرژی هسته‌ای»، راهبرد، شماره ۲۹، صص ۳۱۶-۳۰۱.

بشیریه، حسین (۱۳۸۲)، عقل در سیاست: سی و پنج گفتار در فلسفه، جامعه شناسی سیاسی و توسعه، تهران: نگاه معاصر.

چشم انداز ایران، ویژه نامه زمستان ۱۳۸۶.

حقیقت، صادق (۱۳۸۹)، مبانی اندیشه سیاسی در اسلام، تهران: سمت.

دلفروز، محمد تقی (۱۳۹۳)، دولت و توسعه اقتصادی؛ اقتصاد سیاسی توسعه در ایران و دولت های توسعه گرا، تهران: آگاه.

دیپلماسی ایرانی (۱۳۹۲)، «طرح معروف به پلان B آمریکا علیه ایران چیست؟»،

دسترسی در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/1916188/>

دهشیر، حسین (۱۳۹۹)، «ایران و آمریکا: عبور از رودخانه روبیکن»، فصلنامه علمی سیاست جهانی، دوره نهم، شماره اول، بهار، پیاپی ۳۱، صص ۲۲-۷.

ذاکریان، مهدی، حسن پور، جمیل (۱۳۸۸)، «تاثیر ایدئولوژی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با جمهوری خلق چین»، فصلنامه مطالعات

سیاسی، سال دوم، شماره ۶، زمستان.

رمضانی، روح الله (۱۳۸۸)، «صدور انقلاب ایران: سیاست، اهداف و وسایل»، در اسپوزیتو، جان ال. (ویراستار)، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، تهران: انتشارات باز.

زرقانی، سید هادی (۱۳۸۹)، «نقد و تحلیل مدل های سنجش قدرت ملی»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره اول، بهار.

سریع القلم، محمود (۱۳۹۱)، عقلانیت و توسعه یافتگی ایران، تهران: فرزانه روز.

محمدی لرد، عبدالمحمود (۱۳۹۳)، «انتخابات ریاست جمهوری یازدهم و ثبات سیاسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفدهم، شماره اول،

بهار، شماره مسلسل ۶۹.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۷)، داده ها و اطلاعات آماری، دسترسی در:

<https://www.amar.org.ir/>

مرکز آمار ایران، آمارهای موضوعی / سواد (۱۳۹۷)، داده ها و اطلاعات آماری، آموزش

عمومی، دسترسی در: <https://www.amar.org.ir/>

- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۸)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: سمت.
- نای، جوزف (۱۳۹۳)، آینده قدرت، تهران: فرزانه روز.
- نقیب زاده، احمد (۱۳۸۸)، تاثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه.
- هانتر، شیرین (۱۳۹۲)، سیاست خارجی ایران در دوران بعد از فروپاشی شوروی، ترجمه دهقانی فیروز آبادی، تهران: میزان.
- هنسن، برت، تافت، پتر، ویول، آندره (۱۳۹۰)، راهبردهای امنیتی و نظم جهانی آمریکایی «قدرت از دست رفته»، ترجمه سید امیر نیاکویی و احمد جانسیز، رشت: انتشارات دانشگاه گیلان.
- یوسفی میانجی، عبدالرضا، دهشیار، حسین، شفیع، نوذر، حاجی مینه، رحمت (۱۳۹۹)، «سیاست خارجی ترامپ در خاورمیانه»، فصلنامه علمی تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۱۲(۴۲)، صص ۹۵-۷۰.
- Aljazeera (2020), "US military presence in the Middle East and Afghanistan", January 13, Available from: <https://www.aljazeera.com/news/2020/1/13/us-military-presence-in-the-middle-east-and-afghanistan>
- Boot, Max (2020), "Iran-Backed Militias in Iraq Poised to Expand Influence, Council of Foreign Relations", October 13, Available from: <https://www.cfr.org/in-brief/iran-backed-militias-iraq-poised-expand-influence>
- Brower, Kenneth S (2013), "Pre-Emptying Iran", **the RUSI Journal**, 158:5, 80-89.
- Center for American Progress (2020), The Pentagon's Fiscal Year 2021 Budget More Than Meets U.S. National Security Needs, available from: <https://www.americanprogress.org/issues/security/reports/2020/05/06/484620/pentagons-fiscal-year-2021-budget-meets-u-s-national-security-needs/>
- Clarke, Michael, Ricketts, Anthony (2017), "Donald Trump and American foreign policy: The return of the Jacksonian tradition", **Comparative Strategy**, 36:4, 366-379.
- Council on Foreign Relations (2020), "President-Elect Biden on Foreign Policy", available from: <https://www.cfr.org/election2020/candidate-tracker#middle-east>
- Defense Intelligence Agency (2019), Iran Military Power, Washington, available from: https://www.dia.mil/Portals/27/Documents/News/Military%20Power%20Publications/Iran_Military_Power_LR.pdf

- Distance (2018), "Distance from USA to Iran", Access in: <https://www.distance.to/Usa/Iran>.
- Entessar, Nader, Afrasiabi, Kaveh L. (2019), **Trump and Iran: From Containment to Confrontation**, United States: Lexington Books.
- Foreign Affairs, November/December (2018), "Confronting Iran; The Trump Administration's Strategy", Access in: <https://www.foreignaffairs.com/articles/middle-east/2018-10-15/michael-pompeo-secretary-of-state-on-confronting-iran>.
- Foreign Affairs, August 13 (2018), "Trump's Dangerous Obsession with Iran; Why Hostility Is Counterproductive", Access in: <https://www.foreignaffairs.com/articles/iran/2018-08-13/trumps-dangerous-obsession-iran>.
- Friedman, George (2013), "The U.S.-Iran Talks: Ideology and Necessity", Stratfor, Available from: <https://marcom.stratfor.com/about-stratfor>
- Fukuyama, Francis (2014), **Political Order and Political Decay: From the Industrial Revolution to the Globalization of Democracy**, London: Profile Books LTD.
- Garwin, Richard L. (2008), "Evaluating Iran's missile threat", **Bulletin of Atomic Science**, Vol. 64, No. 2, p. 40-43.
- Gerges, Fawaz A. (2013), "The Obama approach to the Middle East the end of America's moment?", **International Affairs**, 89:2, pp. 299-323.
- Gitelson, Alan R., Dudley, Robert L., Dubnick, Melvin J. (2012), **American Government**, Boston: Wadsworth.
- Global Fire Power (2021), Iran Military Strength (2021), available from: https://www.globalfirepower.com/country-military-strength-detail.asp?country_id=iran
- Global Fire Power (2021), United States Military Strength (2021), available from: https://www.globalfirepower.com/country-military-strength-detail.asp?country_id=united-states-of-america
- Han, Baran (2018), "The Role and Welfare Rationale of Secondary Sanctions: A Theory and a Case Study of the US Sanctions Targeting Iran", **Conflict Management and Peace Science**, 35, no. 5, 474-502.
- Hass, Richard (2020), "Evaluating the Trump Administration's Iran Policy", Council on Foreign Relations, January 14, available from: <https://www.cfr.org/report/evaluating-trump-administrations-iran-policy>
- Heritage (2020), "2021 Index of U.S. Military Strength", November 17, Available from: <https://www.heritage.org/2021-index-us-military-strength/assessing-the-global-operating-environment/middle-east>
- IISS (2019), "Iran's Networks of Influence - Chapter Four: Iraq", the International Institute for Strategic Studies (IISS), November, available from: <https://www.iiss.org/publications/strategic-dossiers/iran-dossier/iran-19-06-ch-4-iraq>
- Index Mundi (2018), "Literacy", Access in: <https://www.indexmundi.com/g/r.aspx?v=39>.



- International Magazine (2015), "Iran's Mining Sector Statistics", Access in: http://www.iraninternationalmagazine.com/issue_74/text-sp/iran's%20mining%20sector%20statistics.htm
- Katulis, Brian, Juul, Peter (2020), "Putting Diplomacy First", Center for American Progress, March 12, available from: <https://www.americanprogress.org/issues/security/reports/2020/03/12/481512/putting-diplomacy-first/>
- Katzmn, Kenneth (2021), "Iran's Foreign and Defense Policies", Congressional Research Service, Available from: <https://fas.org/sgp/crs/mideast/R44017.pdf>.
- Leogrande, William M (2015), "Normalizing US-Cuba relations: escaping the shackles of the past", **International Affairs**, 91: 3, 473-488.
- Macdonald, Paul K. (2018), "America First? Explaining Continuity and Change in Trump's Foreign Policy," **Political Science Quarterly**, Volume 133, Number 3.
- Mahdavi, Mojtaba, (2014), Post-revolutionary Iran: Resisting global and regional hegemony, In T. Ismael and G. Perry, (eds.) **International Relations of the Middle East Today: Subordination and After**, New York: Routledge.
- Mardasov, Anton (2020), "What's Next For Russia-Iran Military Partnership?", Al Monitor, Available At: <https://www.al-monitor.com/pulse/originals/2020/08/iran-russia-military-partnership-army-2020-moscow-un-arms.html> (Accessed on: 03/02/2021).
- Mathews, Jessica T. (2021), "Present at the Re-creation?", **Foreign Affairs**, March/April, Volume 100, Number 2.
- Mearsheimer, John (2018), **Great Delusion: Liberal Dreams and International Realities**, New York: Yale University Press.
- Missile Defense Project (2020), "Missiles of Iran," **Missile Threat**, Center for Strategic and International Studies, June 14, 2018, last modified July 16, 2020, <https://missilethreat.csis.org/country/iran/>.
- National Interest (2015), "5 Iranian Weapons of War America Should Fear", Access in: <https://nationalinterest.org/feature/5-iranian-weapons-war-america-should-fear-12092>
- Nuruzzaman, Mohammed (2020), "President Trump's 'Maximum Pressure' Campaign and Iran's Endgame", **Strategic Analysis**, 44:6, 570-582.
- Nye, Joseph (2015), **Is the American Century Over?**, Cambridge: Polity Press.
- Reuters, April 15 (2019), "U.S. officially designates Iran's Revolutionary Guards a terrorist group," available from: <https://www.reuters.com/article/us-usa-iran/u-s-officially-designates-irans-revolutionary-guards-a-terrorist-group-idUSKCN1RR1BE>
- Schwammenthal, Daniel (2018), "Europe, the US and the Iran Deal: The Need to Resolve Transatlantic Disagreements." **European View**, 17, no. 2, pp. 218-26.

- Shokri Kalehsar, Omid (2020), "The Geopolitics of U.S. Energy Sanctions Against Iran", Middle East Policy, Vol. XXVII, No. 2, summer, pp. 108-119.
- Singh, Robert (2003), **American Government and Politics: A Concise Introduction**, London: Sage Publication.
- Sokolski, Henry (2013), Getting Ready for a Nuclear-Ready Iran, in Jervis, Robert (Ed), **International politics; Enduring Concepts and Contemporary Issues**, New York: Pearson Education.
- Statista (2020), Gross domestic product (GDP) of the United States at current prices from 1985 to 2025, available from: <https://www.statista.com/statistics/263591/gross-domestic-product-gdp-of-the-united-states/>
- Strategic Comments (2018), "Trump's dangerous new foreign-policy team", **Strategic Comments**, 24:3, iv-vi.
- The New York Times (2020), "U.S. Strike in Iraq Kills Qassim Suleimani, Commander of Iranian Forces," available from: <https://www.nytimes.com/2020/01/02/world/middleeast/qassem-soleimani-iraq-iran-attack.html>
- Wahid Hanna, Michael, Dassa Kaye, Dalia (2015), "the Limits of Iranian Power", **Survival**, 57:5, 173-198.
- Walt, Stephen (1987), **the Origins of Alliances**, New York: Cornell University.
- Walt, Stephen (2018), **the Hell of Good Intentions: America's Foreign Policy Elite and the Decline of U.S. Primacy**, New York: Farrar, Straus and Giroux.
- Wilson Center (2015), "Iranian Domestic Politics and Relations with the United States", January 15, Available from: <https://www.wilsoncenter.org/event/iranian-domestic-politics-and-relations-the-united-states>
- Wolf, Reinhard (2017), "Donald Trump's Status-Driven Foreign Policy", **Survival**, 59:5, 99-116.
- World Bank (2020), Islamic Republic of Iran; Overview, available from: <https://www.worldbank.org/en/country/iran/overview>
- Worldometer (2020), Iran Oil, available from: <https://www.worldometers.info/oil/iran-oil/>
- Хетагуров, Артур (2017), "Военно-техническое сотрудничество России: государства Ближнего Востока," Российский совет по международным делам» (НП РСМД), Available at: <https://russiancouncil.ru/analytics-and-comments/columns/geopolitics-arms-market/voenno-tehnicheskoe-sotrudnichestvo-rossii-gosudarstva-blizhnego-vostoka/> (Accessed on: 12/02/2021).

